

# سیر تحول ردیف در قصاید دوره‌های سامانی، غزنوی و سلجوقی با تکیه بر سبک‌شناسی

دکتر علی حسین رازانی\*

## چکیده

در این مقاله بعد از معرفی «ردیف» به جنبه‌های گوناگون آن پرداخته شده است. از جمله، «ردیف‌های صدری و ابتدایی» که نشانه ابتکار و تنوع شعرا در ردیف است. همچنین «ویژگی‌های بلاغی ردیف» که نشان می‌دهد شعرا به کمک کلمه ردیف و کلمات دیگر بیت صنایع گوناگونی ساخته‌اند. ارتباط «ردیف و موسیقی شعر» یکی دیگر از محورهای این مقاله است. ردیف موسیقی کناری، درونی و بیرونی شعر را افزایش می‌دهد. همچنین «معنا و مفهوم ردیف» در بیان افکار و اعتقادات شعرا نقش مهمی ایفا می‌کند. در آخرین بخش مقاله به آمارگیری از تعداد ردیف و ساختارهای دستوری ردیف پرداخته شده و مشخص گردیده که شعرا در استفاده از تعداد و ساختارهای مختلف آن از سبکی خاص و شخصی پیروی کرده‌اند.

## واژه‌های کلیدی

ردیف، قصاید، صنایع ادبی، موسیقی و سبک.

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

## مقدمه

ریشه کلمه «ردیف» عربی است و در فرهنگ‌ها از ماده «ردف» به معنی از او پیروی کرد، پشت سر او سوار شد، می‌باشد. «ردیف» خاص شعر فارسی است و در شعر عربی ردیف وجود ندارد و به جای آن اعراب آخر کلمات قافیه می‌آید و تکرار آنها تا حدودی جای ردیف را پر می‌کند و شنونده قانع می‌شود اما هرگز قابلیت‌های ردیف فارسی را ندارد.

ردیف از جنبه‌های گوناگونی به شعر فارسی زیبایی می‌بخشد. از جمله از نظر موسیقایی، بلاغت و... اما قبل از پرداختن به ویژگی‌های ادبی و کاربردهای هنری ردیف به کلیاتی در این زمینه می‌پردازیم.

تعریف اصطلاحی ردیف: صاحب‌المعجم می‌گوید: «ردیف قافیت، کلمه‌ای باشد مستقل منفصل از قافیت کی بعد از اتمام آن در لفظ آید بر وجهی که شعر را در وزن و معنی بدان حاجت باشد و به همان معنی در آخر ابیات متکرر شود.»<sup>۱</sup> اهل ادب به قصایدی که دارای ردیف باشند «مردّف» گویند.

حاجب: به کلمه‌ای گفته می‌شود که قبل از قافیه و روی تکرار شود چنان‌که در حدائق‌السحر آمده: «ردیف را بعضی اهل صناعت «حاجب» خوانند و شعر مردّف را محجوب گویند و بعضی گفته‌اند که حاجب آن کلمه‌ای باشد که او را پیش از قافیت در هر بیت بیارند چنان‌که ردیف را پس از قافیت، مثالش از شعر پارسی، امیر معزّی گوید:

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت	سست است عدو تا تو کمان داری
حمله سبک آری و گران داری لخت	پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

(حدائق‌السحر/۸۰)

بعد از ذکر این مقدمه به انواع ردیف و ویژگی‌های هنری ردیف می‌پردازیم:

۱- شمس قیس‌رازی. المعجم فی معایر اشعار العجم. به تصحیح مدرس رضوی، تهران: ۱۳۱۴، ص ۲۵۸.

## ۱- ردیف‌های صدری و ابتدایی

گاه شعرا برای نوآوری، تنوع و قدرت‌نمایی به جای آن‌که ردیف را در پایان بیت به‌کار برند آن را در صدر یا ابتدای یک مصراع یا دو مصراع به شکل‌های گوناگون قرار می‌دهند. مانند سنایی در این قصیده با مطلع:

«سراسر جمله عالم» پر یتیم است یتیمی در عرب چون مصطفی کو؟

(سنایی، ۵۷۱)

که ردیف «سراسر جمله عالم» را تا پایان قصیده در صدر قرار داده است. و یا بسیاری از شعرای قصیده‌پرداز کلمات «گفتم» و «گفتا» را به شکل ردیف در ابتدای هر دو مصراع تا پایان التزام کرده‌اند از جمله معزی در این قصیده:

گفتم مرا دو بوسه ده ای دلستان گفتا که ماه بوسه که را داد در جهان

(معزی، ۵۴۲)

معزی در صفحه ۲۲۲ به جای «گفتم - گفتا» دو کلمه دیگر به کار برده «پیام داد - جواب داد» و در صفحه ۲۱۲ فقط کلمه «گفتا» را تا پایان آورده و در صفحه ۵۳۹ در آغاز مصراع‌ها «تو راست» و «مراسم» را ۱۱ بار تکرار کرده.

گاه تکرار کلمات در صدر قصیده شامل چند بیت می‌شود و تا پایان تکرار نمی‌شود مانند «آمد آن» که در قصیده فرخی ۵ بار تکرار شده:

آمد آن سرو جلوه کرده به ناز	آمد آن گلبن خمیده ز بار
آمد آن بلبلی چمیده به باغ	آمد آن آهوی چربیده بهار
آمد آن غمگسار جان و روان	آمد آن آشنای بوس و کنار
آمد آن ماه با هزار ادب	آمد آن روی با هزار نگار
آمد آن مشکبوی مشکین مو	آمد آن خوبروی ماه عذار
گر نژند از فراق بودی تو	خویشتن را کنون نژند مدار

(فرخی، ۱۲۲)

یا کلمه «خلافت تو» را در صدر قصیده (صفحه ۸۳) ۵ بار تکرار می‌کند و در همان قصیده کلمه «بسا» را ۱۰ بار تکرار می‌کند. فرخی در سه قصیده به ترتیب صفحه ۲۷۱، ۳۱۰ و

۳۴۳ «گفتم و گفتا» را تا پایان تکرار کرده. ناصر خسرو در صفحه ۱۸۸ و در صفحه ۲۱۴ در ابتدای قصیده کلمه «آن را» ۸ بار و در صفحه ۲۴۱ کلمه «آنکه» را ۴ بار و در صفحه ۲۲۵ کلمه «اینکه» را ۶ بار و در صفحه ۲۶۸ کلمه «یکی» را ۶ بار تکرار می‌کند. و از این گونه ردیف‌های کوتاه به شکل‌ها و گونه‌های مختلف در قصاید فارسی دیده می‌شود که در اینجا مجال پرداختن به همه آنها نیست.

## ۲- ویژگی‌های بلاغی ردیف

کاربرد ردیف در شعر فارسی ویژگی‌های فراوانی را به همراه دارد. از جمله این ویژگی‌ها، تناسب لفظی و معنوی ردیف با سایر کلمات بیت می‌باشد. این تناسب‌ها به صورت صنایع ادبی ظاهر می‌شود و فصاحت و بلاغت شعر را می‌افزاید. در اینجا به پاره‌ای از این تناسب‌ها و صنایع اشاره می‌شود:

الف) ردیف و صنعت واج‌آرایی و تکرار  
 رابعه می‌گوید:

الا ای باد شبگیری پیام من به دلبر بر      آن ماه خوبان را که جان با دل برابر بر  
 (تحول و سیر ردیف/۱۰۹)

ب) ردیف و صنعت جناس مکرر  
 معزی می‌گوید:

هشت شکر بار یاقوت تو ای عیار یار نیست      کس را نزد آن یاقوت شکر بار بار  
 (فنون بلاغت/۵۰)

ج) ردیف و صنعت تصدی  
 مشتاق اصفهانی می‌گوید:

مجنون به هوای کوی لیلی در دشت      در دشت به جست‌وجوی لیلی  
 می‌گشت همیشه بر زبانش لیلی      لیلی می‌گفت تا زبانش می‌گشت  
 (فنون بلاغت/۵۹)

جستم از تو به بی‌زبانی جستم      جستم ز غمت چو خیر رانی جستم  
(مسعود سعد، ۷۷۲)

(د) ردیف و صنعت تناسب  
ستاخی آمد از بر شاخ درخت عود      ستاخی ز مشک و شاخ ز عنبر درخت عود  
(رودکی، ۱۳۴)

ای از درخت فکنده سپر ماه و آفتاب      طعنه زده جمال تو بر ماه و آفتاب  
(انوری، ۲۱)

(ه) ردیف و صنعت تضاد  
بفروختم سزد به جان باز خرم      ارزان بفروختم گران باز خرم  
(عنصری، ۳۱۶)  
بتی که گر فکند یک نظر بر آتش و      ز لطف جمالش مصور آتش و آب  
(سنایی، ۶۲)

(و) ردیف و صنعت تشبیه  
قمری مجلس است و بلبل بزم      بشکفاند نوای او گل بزم  
(مسعود سعد، ۸۱۲)  
خراب کرد به یکباره بخل کشور جود      نماند در صدف مکرّمات گوهر جود  
(انوری، ۱۴۶)

(ز) ردیف و صنعت استعاره  
شیرین ز زبان شکرینت      تا حشر دهان آفرینش  
(انوری، ۲۶۷)  
ای روزگار تو نسب روزگار ملک      پرورده روزگار تو را در کنار ملک  
(مسعود سعد، ۴۱۳)

(ح) ردیف و صنعت تشخیص  
مرا عشقت بنامیزد بدان سان پرورید ای جان!      که با یاد تو در دوزخ توانم آرمید ای جان!  
(سنایی، ۴۱۹)

ط) ردیف و صنعت جناس زائد

چندان که جهان است ملک شاه جهان با دولت پاینده و با بخت جوان باد

(فرخی، ۳۶)

ی) ردیف و صنعت ایهام تناسب

عمر ضایع شده را سلوت جان باز نسر واقع شده را قوت پر باز دهید

(خاقانی، ۱۶۵)

ک) ردیف و صنعت مجاز

ای ز کلک تو راست کار جهان صاحب و صدر و افتخار جهان

(انوری، ۳۶۵)

ل) ردیف و صنعت لف و نشر

همی بخشیم شبها و چون تواند خفت کسی که دارد بالین و بستر آتش و آب

(مسعود سعد، ۴۲)

از حلّ و از حرام گذشته است کام هستی و نیستی است حلال و حرام

(سنایی، ۳۳۷)

تعداد صناعی که با ردیف به وجود می‌آیند بسیار زیاد است و مجال پرداختن به همه آنها نیست.

### ۳- اهمیت موسیقایی ردیف

ردیف به موسیقی شعر کمک می‌کند. محققان در این مورد نوشته‌اند: «در شعر فارسی اندکی توقف حرکت قبل از روی می‌کنیم اما به قدری نیست که موسیقی قافیه را اشباع کند. به همین علت است که برای تکمیل آن موسیقی، از راه دیگر که وجود ردیف است، استفاده می‌شود تا حروف مشترک پایان شعر را که یکی دو حرف بیشتر نیست فزونی بخشد و موسیقی شعر را تکمیل کند.»<sup>۱</sup>

۱- محمدرضا شفیعی کدکنی. موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۰، ص ۱۳۷.

نقش موسیقایی ردیف در هر بیت به شکل‌های مختلف بروز می‌کند شامل:

الف) غنی‌سازی موسیقی کناری شعر

اگر بعد از قافیه ردیف قرار گیرد موسیقی کناری شعر افزایش می‌یابد. مانند این بیت

رودکی:

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان نبود دندان لا بل چراغ تابان بود

(رودکی/۱۱۵)

ب) غنی‌سازی موسیقی درونی شعر

هر قدر ردیف و قافیه با کلمات دیگر بیت هم‌صدایی و هم‌حروفی بیشتری داشته باشد

موسیقی درونی شعر افزایش می‌یابد.

ای هدهد سحرگهی از دوست نامه‌ای بستان ببند بر سر و عمداً به ما رسان

(خاقانی/۶۵۱)

ج) غنی‌سازی موسیقی بیرونی شعر

ردیف در پر کردن و تکمیل رکن پایانی وزن عروضی نقش زیادی دارد. ردیف‌ها بستگی

به آنکه حرف، کلمه و یا جمله باشد از یک تا چند هجا و گاهی یک یا چند رکن عروضی را

پر می‌کند. مانند:

بهار دل دوستار علی همیشه پر است از نگار علی

(ناصر خسرو/۱۸۴)

که ردیف علی (فعل) در بحر متقارب رکن محذوف محسوب می‌باشد.

گزینم قرآن است و دین محمد همین بود ازیرا گزین محمد

(ناصر خسرو/۱۲۹)

که ردیف محمد (فعولن) در بحر متقارب یک رکن کامل است.

د) غنی‌سازی موسیقی قافیه

از آنجا که قافیه و ردیف در کنار یکدیگر و در انتهای مصراع یا بیت قرار دارند،

زمانی که حروف و صداها ردیف با قافیه هماهنگی بیشتری داشته باشند، موسیقی قافیه

افزایش زیادی می‌یابد. مانند:

ای در نبرد حیدر کرار روزگار وی راست کرده خنجر تو کار روزگار

(انوری/۱۷۲)

بی‌تردید شعرای قصیده‌پرداز به ویژگی‌های موسیقایی ردیف واقف بوده‌اند و سعی داشته‌اند تا حد ممکن از آنها بهره ببرند.

#### ۴- اهمیت معنایی ردیف

بحثی که در این‌جا به آن پرداخته می‌شود اهمیتی است که شاعران به معنای واژه یا واژگان ردیف می‌دهند. برای انتخاب ردیف، شاعر سعی می‌کند به مقتضای حال و محل و اعتقادات شخصی و قلبی خود ردیف قصیده را برگزیند و این‌گزینش در بین شعرای دوران‌های سامانی، غزنوی و سلجوقی متفاوت می‌باشد و با تنوع و نوآوری‌هایی همراه می‌گردد که به عنوان ویژگی سبکی آنان محسوب می‌شود. رودکی در قصیده‌ای که تنها سه بیت از آن باقی مانده فعل «لیسد» را ردیف قرار داده و می‌گوید:

فرشته را ز حلاوت دهان پر آب شود	چون از حرارت می، دلبرم لبان لیسد
روان ز دیده افلاکیان شود جیحون	نصال تیرت اگر قبضه کمان لیسد
به خاک خفته تیغ تو از حلاوت زخم زبان	برآورد و زخم را دهان لیسد

(رودکی، ۵۱۹)

عنصری بعد از رودکی ابتکار خاصی در ردیف ندارد. وی ۷ ردیف در قصایدش به کار برده که ۶ تای آن فعل و یکی حرف «اندر» است.

فرخی نیز مانند عنصری از ردیف به عنوان ابزار شاعری بهره برده و از ۱۵ ردیف به کار رفته در شعرش ۱۱ ردیف فعل و ۴ ردیف اسم است و نکته قابل توجهی در ردیف‌های فرخی دیده نمی‌شود.

در دیوان منوچهری و قطران نیز نکته بلاغی در ردیف نمی‌بینیم اما در شعر ناصر خسرو به ردیف توجه خاصی شده است. وی بنا بر اعتقادات اسماعیلی و دینی خود نام پاک پیامبر(ص) «محمد» و نام پاک امام شیعیان «علی» را در دو قصیده به عنوان ردیف به کار برده:

گزینم قرانست و دین محمد	همین بود ازیرا گزین محمد
-------------------------	--------------------------

(ناصرخسرو، ۱۰۲)

بهار دل دوستار علی	همیشه پر از نگار علی
--------------------	----------------------



(ناصرخسرو، ۴۷۸)

هم‌چنین در یک قصیده دشمنان حضرت علی(ع) «ناصریبیان» را ردیف قرار می‌دهد و می‌گوید:

آمده پیغام حجّت گوش دارای ناصبی      پاسخش ده گر توانی سر مخوار ای

(ناصرخسرو، ۴۶۴)

و یا برای قصیده‌ای انتقادی که به مشرعان حمله می‌کند ردیف قصیده را جمله پرسشی و کوبنده «چيست پس؟» انتخاب کرده و می‌گوید:

خواجه گر تو تابع رائي روايت چيست پس؟      نيك بنگر كاین سخن را در نهایت چيست پس؟

(ناصرخسرو، ۲۰۵)

بدین ترتیب ناصرخسرو اولین شاعری است که ردیف را در خدمت افکار و عقاید خود قرار داده و از آن استفاده فکری و تبلیغی کرده است.

مسعودسعد سلمان نیز از شعرایی است که از معانی ردیف استفاده نموده است. وی در سه قصیده از ردیف «آتش و آب» استفاده کرده:

ز خاک و باد که هستند یار آتش و      اگر چه دارد رنگ و نگار از آتش و

(مسعودسعد، ۴۷)

اما در قصیده حبسیه‌ای تضاد بین «آتش و آب» وضعیت دردناک شاعر را در زندان بهتر از هر سخنی بیان می‌کند و این انتخاب ردیف از شاهکارهای مسعودسعد است:

نشسته‌ام ز قدم تا سر اندر آتش و آب      توان نشستن ساکن چنین در آتش و

همی بخسبم شبها و چون تواند خفت      کسی که دارد بالین و بستر آتش و آب

(مسعود سعد، ۴۲)

در قصیده ۱۶۰ شاعر ردیف «تیغ» را برگزیده که گزینش این ردیف نیز در یک قصیده مدحی که در مدح سلطان علاءالدوله و به مناسبت پیروزی او در جنگ سروده شده بسیار مناسب و هوشمندانه است:

شد مایه ظفر گهر آبدار تیغ یا رب      چه گوهرست بدینسان عیار تیغ

(مسعود سعد، ۴۱۰)

ردیف زیبا و مبتکرانه دیگری در قصیده ۱۹۹ دیده می‌شود و آن واژه «قلم» است. مسعودسعد با آوردن این ردیف به نیکوداشت «قلم» می‌پردازد:

من بدین آخته زبان قلم      گفت خواهیم ز داستان قلم  
یار بایدهش کرد انگشتان      تا شود مرکب روان قلم  
داستان در جهان فراوان است      نیست یک داستان چو آن قلم

(مسعودسعد، ۴۸۶)

معزّی نیز مانند مسعودسعد سلمان سه بار ردیف‌های معطوف آورده:

ز بس که مانده دل و چشم من در آتش و آب      گشاده در دل و در چشم من بر آتش و آب

(معزّی، ۳۵)

ای زلف و عارض تو به هم ابر و      یا بوی مشک و رنگ بقم ابر و آفتاب

(معزّی، ۳۴)

نگاه کرد خدای اندر آسمان و زمین      کشید ز قدرت بر آسمان و زمین

(معزّی، ۳۹۷)

نکته تازه‌ای که در قصاید معزّی به چشم می‌خورد استفاده از نام ممدوحان به عنوان

ردیف است وی دو بار از این گونه ردیف‌ها استفاده کرده و در این کار مبتکر است:

هفت کشور در خط فرمان سلطان سنجرس      هفت گردون در کف پیمان سلطان سنجرس

(معزّی، ۴۷)

نشاط باد همه روزگار فخرالملک      بهار باد همه روز فخرالملک

(معزّی، ۲۷۴)

سنایی نیز مانند مسعود سعد سلمان «آتش و آب» را ردیف ساخته در این قصیده مدحی

می‌گوید:

بتی که گر فکند یک نظر بر آتش و      شود ز لطف جمالش مصوّر آتش و

(سنایی، ۶۲)

اما ابتکار سنایی در ردیف که با حال و هوای او مناسبت کامل دارد ردیف ساختن کلمه

«عشق» است. سنایی اولین کسی است که با ردیف عشق قصیده زیبایی ساخته است:

از حلّ و از حرام گذشته است کام  
عشق هستی و نیستی است حلال و حرام عشق  
تسبیح و دین و صومعه آمد نظام زهد  
زَنار و کفر و میکده آمد نظام عشق  
خالی است راه عشق ز هستی بر آن صف  
کز روی حرف پرده عشق است نام عشق

(سنایی، ۳۳۷)

یکی دیگر از ابتکارات سنایی ردیف ساختن دو کلمه عربی است. وی حرف جر «علی»

را با اسم «الله» ردیف ساخته:

ای قوم مرا رنجه مدارید علی‌الله  
معشوق مرا پیش من آرید علی‌الله  
گر هیچ ز یاری نهمی بر لب او بوس  
یک بوسه به من صد بشمارید علی‌الله

(سنایی، ۲۵۹)

یکی دیگر از نوآوری‌های سنایی در ردیف به کارگیری واژه «خرابات» است. وی در

قصیده قلندرانۀ خود به خاطر بزرگداشت این اصطلاح عرفانی آن را ردیف ساخته:

تا سوی خرابات شد آن شاه خرابات  
همواره منم معتکف راه خرابات  
کردند همه خلق همی خطبۀ شاهی  
چون خیل خرابات بر آن شاه خرابات

(سنایی، ۷۴)

ابتکار دیگر سنایی ردیف ساختن «ای جان» و «جان ای جان» است که در دو قصیده

عرفانی آن را به بهترین شکل به کار گرفته:

مرا عشقت بنامیزد بدان سان پروید ای جان!  
که با یاد تو در دوزخ توانم آرمید ای جان!

(سنایی، ۴۱۹)

تماشا را یکی بخرام در بستان جان ای جان!  
بین در زیر پای خویش جان افشان جان ای جان!

(سنایی، ۴۲۰)

اما نوآوری سوزنی آوردن کلمه «آفتاب» به عنوان ردیف است:

ای رخ خوبست به مثل آفتاب  
چون به مثل گویم، بل آفتاب

(سوزنی، ۱۷)

کار تازه دیگر سوزنی به‌کارگیری نام شهر به عنوان ردیف است. وی برای اولین بار شهر «سمرقند» را ردیف ساخته:

ای سرو سرمایه کرام سمرقند      نام تو مشهورتر ز نام سمرقند

(سوزنی، ۴۵)

خَلق و خوی ممدوح شاعر باعث گردیده گاه ردیف را برای جلب توجه ممدوح انتخاب کند. برای نمونه در قصیده‌ای در مدح سنجر گوید:

با لشکری ز ذره فزون کش گمان بری      خورشید دیگر است ز سنجر خدایگان

(سوزنی، ۱۲۳)

نکته قابل توجهی در ردیف‌های قصاید ادیب صابر دیده نمی‌شود مگر ردیف ساختن «آفتاب» در قصیده ۶۵ که آن هم توسط سوزنی قبلاً به کار رفته است.

ردیف‌های قصاید جبلی بیشتر تکراری است. برای نمونه وی در چهار قصیده ردیف «را» و در ده قصیده فعل «است» و در پنج قصیده فعل «باد» را به کار برده است.

در ردیف‌های انوری نوآوری زیادی نمی‌بینیم، ردیف‌های وی تقلیدی از ردیف‌های شعرای دیگر است. برای نمونه وی هم دو بار نام ممدوح «طغر لتکین» را ردیف ساخته:

ای جهان را ایمنی از دولت طغر لتکین      جاودان منصور بادا رایت طغر لتکین

(انوری، ۳۸۸)

ای در شاهی در طغر لتکین      سحنه دین خنجر طغر لتکین

(انوری، ۳۹۲)

و یا «آفتاب» را مانند سوزنی و ادیب ردیف ساخته اما تنها نوآوری انوری را می‌توان به‌کارگیری «ماه و آفتاب» به عنوان ردیف دانست که قبل از او سابقه‌ای ندارد:

ای از رخت فکنده سپر ماه و آفتاب      طعنه زده جمال تو بر ماه و آفتاب

(انوری، ۲۱)

علاقه انوری به ردیف ساختن فعل «است» باعث شده ۱۸ قصیده را با این ردیف بسزاید.

نکته قابل توجه در ردیف‌های ظهیر فاریابی به کارگیری واژه «سخن» به عنوان ردیف

است که در قصاید هیچ‌کدام از شعرای قبل از او دیده نمی‌شود.

ردیف در شعر خاقانی مجموعه‌ای از تقلید و نوآوری است. خاقانی در قصیده شماره ۱۰۰ شهر «صفاهان» و در آخرین قصیده خود شهر «ری» را ردیف ساخته و قبل از او سوزنی شهر «سمرقند» را ردیف ساخته بود:

خاک سیاه بر سر آب و هوای ری      دور از مجاوران مکارم نمای ری  
(خاقانی، ۴۴۳)

نکبت حور است یا هوای صفاهان      جهت جوز است یا لقای صفاهان  
(خاقانی، ۳۵۳)

خاقانی همچون شعرای قبل از خود، «آفتاب» را ردیف ساخته اما کیفیت بی نظیر قصاید خاقانی این تقلید را جبران کرده است.

ای عارض چو ماه تو را چاکر آفتاب      یک بنده تو ماه سزد دیگر آفتاب  
پیش رخ چو ماه تو بنهاده از جمال      هر نخوتی که داشته اندر سر آفتاب  
(خاقانی، ۵۸)

خاقانی کلماتی را ردیف قرار داده که کمتر شاعری به آنها پرداخته است مانند ردیف‌های «خاک»، «نان» و «آینه». یکی دیگر از نوآوری‌های خاقانی استفاده از عبارت‌های فارسی به عنوان ردیف است مانند: «به خراسان یابم»، «شدنم نگذارند»، «شوم إن شاء الله»، «نتابد بیش از این»، «خواهم فشاند»، «نخواهد داد»، «خواهم گزید»، «نکوتر است»، «نخواهی یافتن». سرودن قصیده با این گونه ردیف‌ها توسط خاقانی ابداع شده و کمتر شاعری می‌تواند با چنین ردیف‌هایی قصیده بسراید. اما عشق و علاقه خاقانی به «پیامبر اکرم» (ص) و «کعبه» باعث شده خاقانی بهترین اشعار خود را در وصف آنان بسراید و در یکی از قصاید ردیف «کعبه» را برگزیده است که در نوع خود کم‌نظیر است:

ای در حرمت نشان کعبه      درگاه تو را مکان کعبه  
ای کمتر خادمان بزم      بهتر ز مجاوران کعبه  
کعبه است درت نوشته خورشید      العبد بر آستان کعبه  
(خاقانی، ۴۰۳)

یکی دیگر از ویژگی‌های خاقانی تصاویری است که از «صبح» ارایه داده به همین دلیل به او «شاعر صبح» می‌گویند. این علاقه باعث شده یکی از قصاید شاعر که در موضوع حکمت و موعظه است با ردیف «صبحگاه» سروده شود:

ما را دلی است ز که خور خوان      جانی است خاک جرعه مستان  
جان شد نهنگ بحرکش از جام      دل گشت مور ریزه خور از خوان

(خاقانی، ۳۷۳)

## ۵- سیر تحول ردیف در قصاید از زبان آمار

از بررسی ۲۸۷۳ قصیده فارسی در دوره‌های سامانی، غزنوی و سلجوقی مشخص گردید: ۱۵ شاعر قصیده‌پرداز ۷۷۹ بار ردیف را در قصاید خود به کار برده‌اند که ۲۶/۷ درصد از کل قصاید را در بر می‌گیرد. در بین شعرا «خاقانی» در به کارگیری ردیف سرآمد شعرای دیگر است. وی در ۶۲/۸ درصد از قصاید خود ردیف به کار برده و با اختلاف فراوانی که با شعرای دیگر دارد می‌توان خاقانی را در به کارگیری ردیف صاحب سبک معرفی نمود. پس از او ظهیر فاریابی با ۴۶/۲ درصد قرار دارد. ظهیر از ۸۰ قصیده خود ۳۷ قصیده معروف سروده. پس از او سنایی با اختلاف ناچیز با ۴۵/۵ درصد قرار گرفته. وی از ۲۹۲ قصیده خود ۱۳۳ قصیده را با ردیف سروده است. پس از او صابر با ۴۰ درصد جای دارد. وی از مجموع ۱۴۰ قصیده سروده شده ۵۷ قصیده را با ردیف به کار برده است. پس از او انوری با ۳۴/۸ درصد و مسعود سعد با ۲۷/۵ درصد و معزی با ۲۵/۲ درصد قرار گرفته‌اند.

با بررسی جدول آماری ردیف، نکات قابل توجهی به دست می‌آید. در سیر کاربرد ردیف از دوره سامانی تا دوره سلجوقی شاهد سیر صعودی آمار هستیم. کمترین کاربرد ردیف متعلق به فرخی است. وی در ۲۰۸ قصیده خود فقط ۱۵ قصیده را با ردیف سروده و درصد کاربرد او ۷/۲ درصد است. در دوره سلجوقی آمار کاربرد ردیف در شعر سنایی به بیش از ۴۰٪ می‌رسد و در این میزان سنایی پیشگام است؛ اما به غیر از سوزنی که با ۱۴٪ و در حد رودکی و قطران از ردیف بهره برده خاقانی با کاربرد ۶۲/۸٪ تقریباً بیش از نیمی از قصاید خود

سیر تحول ردیف در قصاید دوره‌های سامانی، غزنوی و سلجوقی ۱۶۷

را مردف سروده و رکورد قابل توجهی از خود بر جای گذاشته که تا امروز شکسته نشده است.

Archive of SID

جدول تعداد و درصد به کارگیری ردیف

درصد ردیف	تعداد ردیف	تعداد قصاید	شعرا
۱۴/۷	۱۸	۱۲۲	رودکی
۱۱	۷	۶۳	عنصری
۷/۲	۱۵	۲۰۸	فرخی
۱۶	۱۲	۷۵	منوچهری
۱۵	۳۲	۲۱۲	قطران
۱۸/۴	۴۷	۲۵۵	ناصر خسرو
۲۷/۵	۸۳	۳۰۱	مسعود سعد
۲۵/۲	۱۱۸	۴۶۸	معزّی
۴۵/۵	۱۳۳	۲۹۲	سنائی
۱۴	۴۱	۱۶۵	سوزنی
۴۰	۵۷	۱۴۰	صابر
۲۳	۳۶	۱۵۶	جبلی
۳۴/۸	۷۱	۲۰۴	انوری
۴۶/۲	۳۷	۸۰	ظهیر فاریابی
۶۲/۸	۸۳	۱۳۲	خاقانی
۲۶/۷	۷۷۸	۲۸۷۳	جمع

جدول تعداد به کارگیری ساختارهای ردیف

جمع ردیف‌ها	جمله	معطوف	اسم و فعل	اسم و حرف	فعل	اسم	حرف	
۱۸				۲	۱۴		۲	رودکی
۷					۶		۱	عنصری
۱۳				۱	۱۰	۲		فرخی
۱۲			۲		۸	۲		منوچهری
۳۶				۱	۲۸	۳	۴	قطران
۵۹			۱	۲	۴۵	۴	۷	ناصر خسرو
۷۷	۱	۳	۱		۵۶	۱۶		مسعود سعد
۱۲۱	۲	۳	۷	۲	۸۱	۱۷	۹	معزّی



۱۳۲		۱	۸	۶	۹۶	۱۳	۸	سنایی
۴۰			۳	۲	۱۶	۱۸	۱	سوزنی
۵۵			۱	۱	۳۹	۱۱	۳	صابر
۳۶			۲	۲	۲۸	۲	۲	جیلی
۷۲		۱	۵		۴۶	۱۴	۶	انوری
۳۷					۲۸	۸	۱	ظهیر فاریابی
۸۴	۳		۵	۲	۵۷	۱۶	۱	خاقانی
۷۹۹	۶	۸	۳۵	۲۱	۵۵۸	۱۲۶	۴۵	جمع ساختارها

جدول درصد به‌کارگیری ساختارهای ردیف

جمله	معطوف	اسم و فعل	اسم و حرف	فعل	اسم	حرف	
			۱۱	۷۷		۱۱	رودکی
				۸۶		۱۴	عنصری
			۷/۵	۷۶	۱۵/۵		فرخی
		۱۶/۵		۶۶/۵	۱۶/۵		منوچهری
		۲/۵		۷۷/۵	۸/۵	۱۱	قطران
		۱/۵	۳/۵	۷۶/۵	۷/۳	۱۲/۲	ناصر خسرو
۱/۳	۳/۹	۱/۳		۷۳	۲۰/۵		مسعود سعد
۱/۷	۲/۳	۵/۸	۱/۷	۶۷	۱۴	۷/۵	معزی
	۱/۴	۶	۴/۵	۷۲/۳	۹/۸	۶	سنایی
		۷/۵	۵	۴۰	۴۵	۲/۵	سوزنی
		۱/۷۵	۱/۷۵	۷۰	۲۰	۵/۵	صابر
		۵/۵	۵/۵	۷۸	۵/۵	۵/۵	جیلی
	۱/۳			۶۴	۱۹/۵	۸/۵	انوری
				۷۵/۸	۲۱/۵	۲/۷	ظهیر فاریابی
۳/۷		۶	۲/۳	۶۸	۱۹	۱	خاقانی
۰/۷	۱	۴/۴	۲/۶	۷۰	۱۵/۷	۵/۶	درصد کل

## نتیجه

نتایج این مقاله بر اساس محورهای مطرح شده به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- «ردیف» به انتهای بیت و بعد از قافیه محدود نمی‌گردد. شعرای مبتکر و خلاق، تنوع فراوانی در موقعیت ردیف ایجاد کرده‌اند. در این ابتکار شاعر ملزم نیست تا پایان قصیده یک ردیف را حفظ کند، از طرفی می‌تواند ردیف‌های تازه‌ای به کار بندد.
- ۲- «ردیف» در ایجاد صنایع ادبی نقش زیادی دارد، گاهی شاعر با کلمه ردیف صنعت می‌سازد و گاهی ردیف به کمک سایر کلمات، صنایع متنوعی به وجود می‌آورد.
- ۳- «ردیف» نقش مؤثری در ایجاد موسیقی شعر دارد. کلمه ردیف متناسب با قافیه، موسیقی درونی، بیرونی و کناری شعر را افزایش می‌دهد.
- ۴- «معنا و مفهوم کلمه ردیف» از چشم شعرا دور نمانده و آنان به کمک ردیف توانسته‌اند عقاید و تفکرات خاص خود را به شکل‌های گوناگون به شنوندگان منتقل نمایند.
- ۵- «تعداد ردیف» و «ساختار ردیف» در قصاید شعرا یکسان نیست و در این پژوهش ضمن آمارگیری دقیق از آنها معلوم می‌گردد که هر شاعر چه تعداد ردیف به کار برده و از چه ساختارهایی دستوری بیش از ساختارهای دیگر استفاده کرده. بدین ترتیب ویژگی سبکی هر شاعر به دست آمده است.

## منابع و مأخذ

- ۱- انوری، علی بن محمد. **دیوان اشعار**. به اهتمام مدرس رضوی. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
- ۲- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل. **دیوان اشعار**. به تصحیح ضیاء‌الدین سجادی. تهران: انتشارات زوآر، ۱۳۷۴.
- ۳- رادمنش، عطا محمد. **تحول و سیر ردیف در سبک خراسانی**. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۴- رازی، شمس‌قیس. **المعجم فی معانی اشعار العجم**. به تصحیح مدرس رضوی. تهران: ۱۳۱۴.
- ۵- سنایی، ابوالمجد. **دیوان اشعار**. به اهتمام مدرس رضوی. انتشارات سنایی، ۱۳۵۴.
- ۶- شفیع‌ی‌کدکنی، محمدرضا. **موسیقی شعر**. تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- ۷- عنصری. **دیوان اشعار**. به تصحیح یحیی قریب. تهران: ۱۳۳۴.
- ۸- فرخی سیستانی. **دیوان اشعار**. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات زوآر، ۱۳۷۱.
- ۹- معزی نیشابوری. **دیوان اشعار**. مقدمه و تصحیح محمدرضا قنبری. تهران: انتشارات زوآر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۱۰- سعدسلیمان، مسعود. **دیوان اشعار**. به اهتمام مهدی نوریان. انتشارات کمال، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- ۱۱- ناصرخسرو قبادیانی. **دیوان اشعار**. تصحیح نصراله تقوی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- ۱۲- نفیسی، سعید. **احوال و اشعار رودکی**. به اهتمام سعید نفیسی، تهران: انتشارات اهورا، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۳- وطواط، رشیدالدین محمد. **حدایق السحر فی دقایق الشعر**. به تصحیح عباس اقبال. تهران: انتشارات سنایی و طهوری، ۱۳۶۲.
- ۱۴- همایی، جلال‌الدین. **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. تهران: انتشارات هما، چاپ ششم، ۱۳۶۸.